



هنر پنج‌هزارساله مسگری، هدف بعدی باکو در سرقت از فرهنگ و هنر ایران زمین

جمهوری آذربایجان در اقدام ضد فرهنگی دیگر در تلاش است تا صنعت مسگری را با نام «صنعت مسگری لاهیج» (روستایی با اهالی دارای گویشی از زبان فارسی در شمال جمهوری آذربایجان)، در فهرست جهانی میراث ناملموس یونسکو به نام خود ثبت کند.

به گزارش **آران نیوز** به نقل از تابناک، همه‌چیز با تلاش جمهوری آذربایجان برای تغییر هویت اجزای باقی‌مانده ایرانی و فارسی در آن مملکت به اجزای آذری و ثبت تاریخ ایران به نام آذربایجان آغاز شد که قدمتی طولانی دارد اما در سال‌های اخیر نمود عینی بیشتری یافت.

«جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی متخلص» به «نظامی» اگرچه در گنجه زیسته بود اما با تکیه بر شعرش، زاده تفرش بوده است: «چو دُر گرچه در بحر گنجه گم - ولی از قهستان شهر قم / به تفرش دهی هست «تا» (ط) نام او - نظامی از آنجا شده نام‌جو»

شیخ بهایی نیز در اشعار خودش این گونه از نظامی یاد کرده است: «ز اهل تفرش است آن گوهر پاک - ولی در گنجه چون گنج است در خاک» و در واقع به اشتباه از او باصفت گنجوی یا گنجه‌ای نام‌برده شده اما در سال‌های اخیر نه تنها او گنجوی خوانده شده، بلکه برای اثبات این ادعا، آذربایجان شعر جعل کرده است.

با این حال ابتدا این شعر که در هیچ نسخه تاریخی خطی موجود از آثار نظامی وجود ندارد به این شاعر فارسی‌زبان منتسب شد:

«پدر بر پدر، مر مرا ترک بود - به فرزانی هر یکی گرگ بود» که پژوهشگران ایرانی ضمن بررسی اشعار فردوسی که تماماً در مذمت گرگ بوده و همچنین با توجه به عدم وجود این بیت شعر در نسخ خطی، اصالتش را رد کردند.

«نظامی» در شعری درباره گرگ و گرگ‌صفتی می‌گوید: «ز آن بر گرگ روبه راست شاهی - که روبه دام بیند گرگ ماهی» و در شعری دیگری تأکید دارد: «به وقت زندگی رنجور حالیم - که با گرگان وحشی در جوالیم» و همچنین در یک شعر دیگرش می‌آورد: «پیامت بزرگست و نامت بزرگ - نهفته مکن شیر در چرم گرگ» و در دیگر شعرش نیز به ذم گرگ می‌پردازد و می‌گوید: «روباه ز گرگ بهره زان برد - کین رای بزرگ دارد آن خرد» و در واقع اساساً گرگ بودن که صفت دهه‌های اخیر پان ترک‌هاست را مذوم می‌داند.

با این وجود و علی‌رغم آنکه قریب به اتفاق اشعار نظامی به زبان فارسی است، آذربایجان کاشکی‌های اشعار فارسی اطراف آرامگاه این شاعر ایرانی را کند و در عوض اشعار ترکی نصب کرد که در ظاهر اقدامی ساده‌انگارانه برای تصاحب یک شاعر بود اما به مرور این دروغ گسترده و گسترده‌تر می‌شود و مصداق دروغ بزرگی را می‌یابد که حداقل باورش برای ساکنان این کشور همسایه باورپذیرتر می‌شود.

عدم برخورد قاطع ایران با این سرقت ادبی، منجر به ثبت سایر میراث فرهنگی ایران تحت عناوین مختلف به نام کشور آذربایجان بود. «تار» که تحت عنوان تار آذری با شکل متفاوتی در آذربایجان ایران نیز نواخته می‌شود، هدف بعدی آذربایجان بود و در نهایت به نام این کشور به همراه برخی ردیف‌ها ثبت شد و پس از جنجال‌های مقطعی، این حادثه تلخ نیز به فراموشی سپرده شد.

پس از «نظامی» و «تار»، نوبت به «چوگان» ورزش کهن ایرانی رسید که هیچ تردیدی از سوی تاریخ‌نگاران درباره اصالت ایرانی‌اش وجود ندارد و علاوه بر نام بردن از آن در اشعار رودکی و فردوسی، اساساً میدان نقش‌جهان اصفهان، زمین چوگان بوده است. آذربایجان «چوگان» را نیز به عنوان بازی سنتی «چوگان در قره‌باغ» در اجلاس یونسکو در باکو در فهرست میراث ناملموس متعلق به خود ثبت کرد.

در هفته‌های اخیر نیز خبر رسید که جمهوری آذربایجان پس از اقدام به ثبت «تار» و «چوگان» به نام این کشور در فهرست جهانی یونسکو، این بار برای ثبت هویت «فرش» و «نگارگری ایرانی» و چه بسا شاهنامه و دیوان حافظ زمینه‌سازی کرده است! آذربایجان در اکتبر ۲۰۱۵ میلان، بروشورها و هدایای تبلیغاتی هم برای مخاطبان در نظر گرفته شده بود که مواردی از جمله عرضه فرش تبریز به عنوان یکی از صنایع دستی این کشور ذکر شده بود.

در این میان، آذربایجان کتاب نفیسی هم منتشر و در این اکتوبر با نام «مینیاتور» عرضه کرده و مینیاتورهای شاهنامه که بر روی آن‌ها اشعار فارسی به نگارش درآمده را به عنوان آثار هنری و تاریخی آذربایجان عرضه کرده است! نکته جالب اینکه ترکمنستان و امارات نیز با الگوبرداری از آذربایجان اقدام به سرقت فرهنگی از ایران نموده و اقدام معرفی «خط نستعلیق» در پاپیون امارات متحده عربی و «فرش تبریز» به عنوان میراث ملی‌شان نموده‌اند.

حال شبکه سی بی سی آذربایجان خبر داده، جمهوری آذربایجان از یونسکو خواستار آن شده تا صنعت مسگری را بانام «صنعت مسگری لاهیج» (روستایی با اهالی دارای گویشی از زبان فارسی در شمال جمهوری آذربایجان)، در فهرست جهانی میراث ناملموس به نام جمهوری آذربایجان ثبت کند و این درخواست در نهمین نشست یونسکو در نامیبیا که طی روزهای ۳۰ نوامبر تا چهار دسامبر برگزار می‌شود، بررسی خواهد شد.

سی بی سی آذربایجان، مسگری را به روستای لاهیج در مناطق کوهستانی شهرستان اسماعیلی جمهوری آذربایجان منتسب کرده و از این هنر پنج‌هزارساله ایرانی که در نقطه نقطه ایران آثارش کشف شده، به عنوان یکی از نمادهای اصیل معماری و

شهرسازی کهن جمهوری آذربایجان یادکرده که در نوع خود کوشش جالبی برای سرقت بخشی دیگر از تاریخ ایران است. هرچند لاهیج جزو شهرهای فعال در تولید ظروف مسی در چند قرن اخیر است اما ظروف پنج‌هزارساله مسی در قلب ایران که نشان می‌دهد اولین فلز کشف‌شده توسط بشر مس بوده و اولین فلزکاران نیز ایرانیان بوده‌اند و همچنین بازارهای چندصد ساله ساخت ظروف مسی در نقاط مختلف ایران، نشان می‌دهد ثبت این هنر به نام دیگر کشورها چقدر خام است و البته چقدر شبیه ثبت «تار» و «چوگان» است.

هرچند هیچ‌کس منکر این حقیقت نیست که برخی از این آثار به‌عنوان میراث مشترک تاریخی می‌بایست در بستر «ایران بزرگ» میان ملل مختلف به ثبت برسد و ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهای مشترک در این آثار در یونسکو به ثبت برسد و حتی پس از ثبت «تار» و «چوگان» نیز مسئولان ایران، وعده تشکیل پرونده مشترک و قرارگیری نام ایران در کنار آذربایجان در پرونده ثبت جهانی این دو اثر منتشر شد اما در این چند سال خبر قطعی از تحقق این وعده منتشر نشد و بنابراین باید نگران بود که سرقت آثار تاریخی ایران تا کجا ادامه خواهد یافت.